



بازتاب شخصیت استاد همائی در اهدای مجموعه گنجینه کتب به فرهنگستان

ناهید بنی اقبال (استادیار گروه کتابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال)

استاد همائی را هر کس که با فرهنگ این مرز و بوم سروکار داشته و یا دارد می شناسد. استادان و فرهیختگانی همچون دکتر مهدی محقق، استاد ایرج افشار، آقایان هوشنگ اتحاد و دکتر نصری پژوهش‌هایی انجام داده و آثاری پدید آورده‌اند که نسل جوان امروز و نسل‌های آینده را با شخصیت والای استاد فقید آشنا می‌کند.

اما اهدای مجموعه کتاب‌های چاپی به زبان فارسی و زبان‌های دیگر همچنین کتب چاپ سنگی استاد همائی از جانب خانواده فرهنگ‌دوست و دانش‌پرور ایشان به کتابخانه فرهنگستان زبان و ادب فارسی بهانه‌ای شد تا در ابعاد شخصیتی و اخلاقی آن دانشمند برجسته پژوهشی برای مطالعه پژوهشگران و دانشجویانی انجام گیرد که با احوال و آثار ایشان آشنائی کافی ندارند و شایسته است آگاه شوند که چه مقدمات و سوابقی آفریننده این‌گونه شخصیت‌هایی در فرهنگ ما بوده است. سخن را از وصفی آغاز می‌کنم که استاد از ولادتگاه خود به دست داده‌اند:

اتاقی است مزین به نقاشی و آینه‌کاری و خط پدر و جدّم زینت‌بخش آینه‌کاری‌های آنجاست.
(نصری ۱۳۶۷، ص ۱؛ اتحاد ۱۳۸۴، ج ۸، ص ۲۹۹)

این اتاق را خود در سفری به اصفهان دیده‌ام و اغراق نیست اگر بگویم نشانه گوشه‌ای از تالار چهل ستون اصفهان را تداعی می‌کند. بیننده چنان سرگرم نقوش و تزئینات آن

می‌گردد که گویی به تحقیق آفرینندگانش را می‌شناسد و از عشق و صفای باطن آنها داستان‌ها شنیده است.

این اتاق در خانه‌ای در یکی از محلات قدیمی اصفهان به نام «جلو خان» یا «قلعه» واقع شده است. کوچه منتهی به خانه، تنگ به عرض دو متر و سرپوشیده به سبک سابات، ساکنان خسته از کار برگشته را در آفتاب تموز و برف چله زمستان سرپناه می‌داده است. حیاط خانه با چند باغچه و درخت توت کهن سالی آراسته شده که ظاهرش از وفاداری سرایدار خانه به صاحبان آن حکایت می‌کند. در جناح دیگر اتاق‌هایی با سقف ضربی سرلت معماری سنتی را زنده نگه داشته‌اند. اتاق کار استاد در انتها خودنمایی می‌کند که مقداری کتاب و معدودی از لوازم شخصی ایشان در آن به نمایش گذاشته شده است.

این خانه یادگار خاندان استاد همایی است که فرزندان او به فرهنگستان زبان و ادب فارسی واگذار کرده‌اند تا جویندگان خلوت‌های راز از آن بازدید کنند. شاید بتوان این قدم را وسیله‌ای برای تداوم و پیوند معنوی استاد با فرهنگستان شمرد با توجه به اینکه ایشان در پنجم آذر ۱۳۲۱ شمسی به عضویت پیوسته فرهنگستان ایران برگزیده شدند. (نامه فرهنگستان ۱۳۲۲، ص ۱۸)

و اما ابعاد شخصیتی استاد؛ عبدالله نصری در این باره می‌نویسد:

بزرگ‌ترین ویژگی اخلاقی استاد حبّ الهی بود. او، مانند اصلاّح راه کمال، وجودش لبریز از عشق به حضرت احدیّت بود. تجلّی این عشق الهی را ما در آثار او به خوبی می‌بینیم به طوری که هر کس به مقدمه کتاب‌های او رجوع کند مشاهده می‌کند که با نام خدا و مناجات او سخن را آغاز می‌نماید. در بسیاری از موارد هم، با نیایش‌های معصومین سخن را آغاز می‌کند. (نصری ۱۳۶۷، ص ۹۳-۹۴)

و این شهدی است که به هنگام تولد به کامش ریخته شد در اتاقی که خود در وصف آن می‌گوید:

در بالای آن، زیر آئینه‌ها و دسته‌گل نقاشی، حدیث نبوی اَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا بِهِ خَطٌّ
 مرحوم هماکتبیه شده است و روبه‌روی آن هم، در سمت پایین، گلدان آینه‌کاری منقش بسیار
 عالی است و این بیت مولانا

از علی آموز اخلاص عمل شیر حق را دان منزه از دغل
 به خطّ مرحوم طرب کتیبه شده است.

با پرورش در چنین محیطی طبیعی است که «به قرائت قرآن و مطالعه و تفسیر آن سخت علاقه‌مند بود و در تفسیر قرآن نیز خود ذوقی عرفانی داشت و گاه به تفسیر عرفانی آیات می‌پرداخت.» (اتحاد ۱۳۸۴، ص ۲۹۶). و این علاقه‌مندی تا آخرین دقایق عمر با او یار و همراه بود. گواه آن مینودخت فرزند کوچک‌تر او که می‌گوید:

از بهار ۱۳۵۸، هر وقت به اطاق ایشان می‌رفتم می‌دیدم قرآن می‌خواند. من حس می‌کردم چون شاگردی که درسش را برای امتحان دوره می‌کند این کتاب را ورق می‌زند و ساعت‌ها مطالعه می‌کند. برایم تعجب‌آور بود، چون پدرم قرآن را از حفظ داشتند و کافی بود که فقط یک کلمه یا عبارت یا آیه از قرآن پرسش شود، دنیایی جواب در مقابلش داشتند که عقل از فهمیدنش عاجز بود. (همان، ص ۲۹۵)

او با چنین پشتوانه‌ای از حُبّ الهی «دلی آکنده از عشق به خدا داشت. در برخورد با دیگران بسیار منصف و مؤدب بود، به خاندان و استادان خود احترام فوق‌العاده می‌گذاشت، یاران و دوستان خود را همیشه گرامی می‌داشت و انسانی قدرشناس و به دور از آرایش‌های دنیوی بود.» (همان، ص ۲۹۶)

همشهری دانشمندم، مرحوم دکتر جمال رضائی، که استاد او را در زمره شاگردان خود نام برده، در شعری با عنوان «استاد فرزانه من» به فضایل آن مرد وارسته اشاره دارد:

گرش نیستی گونه ارغوانی	... به رخسار او گرمی عشق پیدا
گرش نیستی جامه پرنیانی	به بالای او کسوت علم زیبا
به رفتار او جلوه‌گر مهربانی	... به کردار او آشکارا حقیقت
به دوراز بداندیشی و بدگمانی	به پندار بگرفته راه و هومن
بسیاموخته طرز شیرین‌زبانی	به گفتار با لحن و با لفظ شیرین

استاد ذبیح‌الله صفا در بیان بزرگواری و ایثار و توجه و دلسوزی او نسبت به شاگردانش می‌گوید:

جلال‌الدین همائی و استادانی نظیر او جانشین واقعی استادانی بودند که هر جا استعداد سراغ می‌کردند به تربیت آن می‌شتافتند و می‌کوشیدند آنچه از دانش و فرهنگ و اطلاعات که استادانشان بدانان ارزانی کرده بودند به شاگردان خود بسپارند و ودایع اجداد را در دست اخلاف صدق نهند. (صفا ۱۳۵۱، ص ۲۳)

این وسعت نظر استاد همائی از آنجا ناشی می‌شد که خود ایشان، در دوران زندگی خود، محضر استادان بزرگی را درک و از آنان کسب فیض کرده بودند:

در میان چهره‌های علمی معاصر کمتر چهره‌ای را می‌توان سراغ گرفت که چونان همایی استاد دیده باشند. استاد، در خلال دوران تحصیل خود، به محضر اساتید بسیار راه یافت و به گفته خودش زانوی ادب زد و از انفاس قدسی آنها مدد گرفت. (نصری ۱۳۶۷، ص ۴۱)

خود او می‌گوید:

تحصیلاتم ... از افواه رجال سرمایه گرفته است که، سالیان دراز با نظم و ترتیبی درخور، یکسره همت بر اکتساب علوم و فنون گماشته، در محضر اساتید فن به زانوی ادب نشسته، منت استاد و ادیب کشیده، و رنج فراوان برده‌ام تا فنی را آموخته و معرفتی اندوخته‌ام و از آن طبقه نبوده‌ام که مولوی معنوی [در وصف آنان] فرموده است:

هر که گیرد پیشه‌ای بی‌اوستا ریشخندی شد به شهر و روستا (همان‌جا)

نصری در همین باب می‌نویسد:

استاد همایی، از پنج‌سالگی تا پایان عمر هشتاد و سه ساله خود، همواره جویای علم و دانش بود و هیچ‌گاه از تعلیم و تعلم و نگارش فارغ نمی‌شد. عشق او به علم و معرفت تا آنجا بود که نه تنها به مال و منال دنیوی رغبت نشان نمی‌داد که خواب و خور را نیز به فراموشی می‌سپرد. (همان، ص ۱۰۷)

استاد بی‌اعتنایی به مال و منال دنیوی را به فرزند خود نیز توصیه می‌فرمود:

ای میوه باغ زندگانی	ای تو گل گلشن جوانی
دین ورز و به کار معرفت گوش	این پند ز خیرخواه بنیوش
در خدمت خلق باش یکسان	از کس مطلب جزای احسان
آن را که سعادت است بارش	بخشایش و بخشش است کارش

دین‌ورزی و معرفت‌شناسی راهی بود که در عمر پربرکتش پیموده بود و آن را از دختران خود نیز انتظار داشت و حتی به نوادگان نیز تلاش برای کسب علم و عمل به آن و هم بی‌اعتنایی به جاه و مال و مقام را وصیت کرده است:

و آنان که مرا نواده باشند	از بطن شریف زاده باشند
پند پدرانۀ نوش سازند	آویزه گوش هوش سازند
چشم از شهوات تن بپوشند	در علم و عمل همی بکوشند
دنیا و هر آنچه جاه و مال است	رنج دل و آفت کمال است
ز سنهار حذر کنند ز سنهار	از آدمیان آدمی خوار

استاد با شاگردانشان همچون فرزندان خود صمیمیت خاصی داشتند. دانشجویان را همیشه به کسب علم و فضیلت تشویق می‌کردند و به راهنمایی آنان می‌پرداختند. متوجه قدسی، از شاگردان و یاران استاد، می‌نویسد:

همائی اخلاقاً مردی متواضع و گرم‌خوی و مهربان و دارای روحی قابل‌انعطاف بود؛ با دانشجویان روابط پدر و فرزندی و بسیار صمیمانه داشت. در آن روزگار که کبریای استادان خود فصلی مفصل بود و دیدن آنان به جز در کلاس درس و مرتبط شدن با ایشان امری دشوار و گاه ناممکن می‌نمود، همائی دانشجویانش را - آنها که می‌خواستند با او هم‌نفسی و هم‌قدمی داشته باشند - راحت و بدون اشکال می‌پذیرفت. (قدسی ۱۳۵۹، ص ۶۲۱-۶۲۲)

استاد همائی در معاشرت با اهل علم نیز مشتاق و صبور بود و به کارهای باارزش دیگران ارج می‌نهاد. با بسیاری از استادان و مشاهیر عصر خود آشنا بود و در برخورد و معاشرت با آنان همواره رعایت شرط دوستی و اخوت اسلامی را می‌کرد.

در برخورد با همکاران دانشگاهی خود نیز رفتاری توأم با مهر و محبت و صفا و صمیمیت داشت. از هوای نفس به دور بود و خود را برتر از دیگران به حساب نمی‌آورد. (نصری ۱۳۶۷، ص ۱۰۳)

کارنامه علمی استاد همائی و تحقیقات و تألیفات او هر یک از دقت و عمق برخوردار است. جمله آثار او با تحسین و تقدیر محققان روبه‌رو شده است. در این کارنامه، ۱۲ عنوان اثر تألیفی و ۱۱ عنوان اثر تصحیحی درج شده است. مقدمه‌های مشروح و مبسوط و جامع استاد بر تصحیحات انتقادی ایشان خود آثاری بس ارزشمندند که منزلت کتب مرجع را پیدا کرده‌اند. این آثار عموماً در حوزه زبان و ادبیات و علوم ادبی و معارف اسلامی و تراجم احوال مشاهیر ایران و اسلام‌اند. مقالات استاد بالغ بر ۷۵ الی ۸۰ عنوان است غالباً در شرح حال و آثار ستارگان ادب فارسی همچون رودکی، فردوسی، خیام، سعدی، مولوی و دیگر بزرگان ادب فارسی و نیاکان و خانواده خود استاد، که از ادبای برجسته شیراز بودند، و نیز در تاریخ اصفهان و در معرفی بسیاری از مشاهیر و ادبای این شهر. استاد مقالاتی نیز درباره فلاسفه و دانشمندان ایرانی از جمله ابوریحان بیرونی، ابن‌سینا، غزالی، و خواجه نصیرالدین طوسی نگاشته‌اند و چند مقاله‌ای نیز در بیان جلوه‌های عرفان و معرفت‌شناسی دارند.

از استاد تألیفات منتشر نشده بسیاری به جای مانده که، بنا بر قول آقای نصری در کارنامه همائی، به ۱۵ عنوان می‌رسد.

برای اطلاع از جزئیات آثار علمی استاد همائی، خوانندگان را به فصل هفتم کارنامه همائی تألیف آقای عبدالله نصری (صفحات ۱۰۷-۱۵۲) ارجاع می‌دهم. مؤلف، در این فصل، با دقت و تعهد فراوان به شرح کیفیت آثار عمده استاد همائی، انگیزه او در تألیف یا تصحیح آنها، و واکنش‌های جامعه علمی و صاحب‌نظران در قبال آنها پرداخته است. نصری فصل هشتم را به بررسی اندیشه‌های استاد و آراء او در مباحث فلسفه، تصوف و عرفان، تعلیم و تعلم، شعر، زبان فارسی و تصحیح متون اختصاص داده و نکات برجسته افکار او را در این زمینه‌ها بیان کرده است.

استاد همائی گنجینه گران‌بهایی از کتب و رسالات در اختیار داشت که به لحاظ وسعت موضوع کاملاً با جامعیت علمی او مطابقت می‌کرد. استاد بر بیش از یک سوم این کتاب‌ها حواشی ممتعی نوشته که فواید آنها را دو چندان ساخته است. اینک این گنجینه، که شماری کتاب چاپ‌سنگی جزء آن است، به کتابخانه فرهنگستان زبان و ادب فارسی اهدا شده که در مجموعه‌ای به نام خود استاد محفوظ خواهد ماند و مورد استفاده پژوهشگران قرار خواهد گرفت.

در خاتمه، مناسب مقام می‌داند که اعضای خانواده محترم استاد همائی را اجمالاً معرفی کند:

- همسر گرامی استاد، بانو صدری همائی؛
- دختر استاد، بانو مهردخت همائی دارای درجه فوق‌لیسانس در ادبیات فارسی و دبیر دبیرستان‌های تهران، همسرشان دکتر طباطبائی و سه فرزندشان؛
- دختر استاد، بانو ماهدخت همائی دارای درجه دکتری در ادبیات فارسی و کتابداری و مدرّس دانشگاه اصفهان و شاغل در کتابخانه کنگره آمریکا، همسرشان آقای شایگان و چهار فرزندشان؛
- دختر استاد، بانو مینودخت همائی دارای درجه لیسانس در فلسفه و علوم تربیتی و دبیر دبیرستان‌های تهران، همسرشان دکتر ناصرالدین شاه‌حسینی استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و سه فرزندشان. (همان، ص ۲۲)

بازماندگان استاد پند پدر را به گوش دل نیوشیدند که

آن را که سعادت است یارش بخشایش و بخشش است کارش

و پس از مذاکره و مشاوره با جناب آقای دکتر حسن حبیبی، ریاست محترم فرهنگستان زبان و ادب فارسی، مصمم شدند که مجموعه کتب استاد همائی را به فرهنگستان زبان و ادب فارسی اهدا کنند و سند آن با امضای بانو مهردادخت همائی، به نمایندگی خانواده استاد، تنظیم شد. (← خبرنامه فرهنگستان، آبان ۱۳۸۴، ص ۲)

پس از سازماندهی مجموعه و استقرار آن در محل مناسب، محتویات مجموعه هدایایی از نظر کمی، گسترش موضوعی، پوشش زبانی و نیز حد و حدود کتاب‌های حاشیه‌دار گزارش خواهد شد.

درود بی‌پایان محققان و پژوهشگرانی که از این مجموعه کسب فیض خواهند کرد نثار روح پرفروش استاد و دعای خیر آنان بدرقه خانواده او باد!

منابع

- اتحاد، هوشنگ (۱۳۸۴)، پژوهشگران معاصر ایران، ج ۸، فرهنگ معاصر، تهران.
 خبرنامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی (آبان ۱۳۸۴)، سال دهم، شماره ۱۱۱.
 صفا، ذبیح‌الله (۱۳۵۱)، «اندیشه‌ای پربار از سنت‌های ایرانی»، روزنامه اطلاعات، پنجشنبه ۷ دی‌ماه.
 قدسی، منوچهر (۱۳۵۹)، «غم همائی»، آینده، سال ۶، شماره ۷ و ۸، ص ۶۱۶-۶۲۵.
 نامه فرهنگستان (۱۳۲۲)، «سازمان فرهنگستان»، سال ۱، شماره ۱، ص ۱۸.
 نصری، عبدالله (۱۳۶۷)، کارنامه همائی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.

